



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵

توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵

چاپ: روز تاب، جاده مخصوص کرج، نخ زرین شماره ۴
تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷

www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر۱۳:۰۱اذان مغرب ۲۰:۳۰اذان صبح فردا ۴:۱۱ طلوع آفتاب ۵:۵۳

چهارشنبه خوانی

مضمونی ساده، روایتی نو

بهاره رهنما



■ «گرسنه» اثر کنت تامسون به ترجمه احمد گلشیری از مجموعه کلاسیک‌های مدرن نشر نگاه از آن کتاب‌هایی است که به عقیده بسیاری از منتقدان و خوانندگان جدی آثار از مجموعه کتاب‌های فراموش‌نشدهی ادبیات مدرن به شمار می‌رود.

کنایی که صرف‌نظر از موضوع و فضایی که اتفاقا به شدت واقع‌گرایانه است، ترسیم شده و به لحاظ زبان و پرداخت و البته با ترجمه بسیار روان احمد گلشیری از نمونه‌های قابل رجوع همیشه زمان‌ها برای مشتاقان ادبیات به شمار می‌رود. برخلاف ظاهر واقع‌گرایانه کتاب و سادگی بیش از حدی که اتفاق نوشتن و خلق‌اش کار بسیار سخت و دقیقی است، لایه‌های نمادین و فلسفی دیگری نیز در ادبیات ساده کتاب پیدا می‌شود.

فتناپذیری خنده‌دار بشر و نیازهای اولیه‌اش مثل گرسنگی چیزی که آنقدر ظریف و هوشمندانه در تمام طول کتاب به آن پرداخته شده که شما در پایان باور نمی‌کنید که کنایی نزدیک به ۳۰۰ صفحه با چنین مضمونی به ظاهر ساده‌ای چطور توانسته تا آخر سطورش شما را به خود جذب و وابسته کند. نبوغ خلق کنت شاید بیشتر از همه‌چیز در آنجایی است که گرسنگی را به موت یک شهروند در طول یک روز با اتفاقات بسیار منطقی چنان کش می‌دهد که گویی این نیاز ساده بشری هرگز به آن آسانی که تصویر می‌شود قابل جوابگویی نیست. به گمانم کتاب گرسنگی از این نویسنده فنلاندی متمایل به خلق مضامین نزدیک به طبیعت کنایی است که خواندنش بی‌شک اتفاق مهمی در جهان ادبیات ذهنی شما خواهد بود.

نگاه

صورت مساله را پاک نکنیم



پژمان موسوی

■ دیگر دارد باورم می‌شود که کسی دنبال بچه‌های علوم اجتماعی به معنای اخص آن و بچه‌های علوم انسانی به معنای اعم آن نیست؛ تا حالا حدس و گمان بود، احتمال بود ولی دیروز با خواندن خبری از دبیر شوروی‌عالی برنامهریزی آموزش عالی، عمق این موضوع باورم شد. خبر اما کوتاه بود: «رشته‌های روانشناسی و علوم اجتماعی از جمله رشته‌هایی در آموزش عالی کشور هستند که بیشترین فارغ‌التحصیلان بییکار را دارند.» نه اینکه اعلام این آمار فرصتی باشد برای برنامه‌ریزی برای اشتغال بچه‌های علوم اجتماعی و به کار گرفتن بیشتر آنها در عرصه‌های مختلف که هدف تنها و تنها یک چیز بود: مازاد اعلام کردن بچه‌ها. ادامه خبر را ببینید خودتان هم مثل من قضاوت خواهید کرد: «اگر بتوانیم رشته‌های دانشگاهی کارآمد و پاسخگوی نیاز جامعه را طراحی و راه‌اندازی کنیم حتما می‌توانیم ظرفیت‌های مازاد را به این سمت سوق دهیم.» ظرفیت مازاد دقیقا یعنی چه کسانی؟ کسانی که نبض جامعه را در دست دارند، کسانی که حیات و ممات مردمان در دست آنهاست نه اینکه آنها پزشک باشند که حیات فکری مردمان در دست آنهاست. مگر می‌توان جامعه را بدون جامعه‌شناس، حقوقدان، روانشناس، فیلسوف، روزنامه‌نگار و... تصور کرد؟ چرا برخی به دنبال پاسخ دادن صورت مساله هستند؟ واقعا اگر بیشترین فارغ‌التحصیلان بیکار را بچه‌های علوم اجتماعی تشکیل می‌دهند، راهکارش سوق دادن دانشجویان جدید به سمت سایر رشته‌هاست؟ یا اینکه ظرفیت‌سازی برای بهره‌برداری از پتانسیل‌های آنها باید در دستور کار قرار گیرد؟ مگر جامعه به چه میزان به فارغ‌التحصیلان فنی نیاز دارد؟

آیا فکر نمی‌کنید که اتفاقا ظرفیت این رشته‌هاست که اشباع شده است و ما بیش از همیشه نیازمند نگاه‌هایی نو در عرصه‌های اجتماعی هستیم؟ چه جایی بهتر از مراکز آموزش عالی برای تربیت نوجوانانی اینچنین؟ واقعیت اینجاست که رشته‌های مرتبط با علوم اجتماعی نیازمند خونی تازه برای احیای جایگاه واقعی خود هستند و نه مازاد اعلام کردن فارغ‌التحصیلان‌شان و سوق دادن آنها به سمت رشته‌هایی که به واقع دیگر نیاز روز جامعه نیستند. بیایید جور دیگری نگاه کنیم...



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسؤل: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵

توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵

چاپ: روز تاب، جاده مخصوص کرج، نخ زرین شماره ۴
تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷

www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر۱۳:۰۱اذان مغرب ۲۰:۳۰اذان صبح فردا ۴:۱۱ طلوع آفتاب ۵:۵۳

برداشت آخر

سه کارگردان ، دستیار مجیدی می‌شوند

آغاز پیش تولید فیلم «محمد (ص)» با طنابنده

حمید جعفری

پروژه سینمایی «محمد (ص)» در حالی دوم خرداد از سوی معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پروانه ساخت دریافت کرد که خبر می‌رسد «محسن طنابنده» به عنوان یکی از بازیگران این فیلم سینمایی انتخاب شده است. «محسن طنابنده» از اولین بازیگرانی است که به این پروژه سینمایی ملحق شده و با توجه به نقشی که بر عهده دارد، این‌س روزها در حال گذراندن دوره‌های سوارکاری است. از سوی دیگر شنیده می‌شود طراح صحنه این فیلم سینمایی بر عهده یک طراح صحنه خارجی است و با توجه به اینکه توافق نهایی این طراح با این پروژه صورت نگرفته نامی از او در میانه نیست. این طراح صحنه چندی پیش از دکورهای کنعان سریال «یوسف پیامبر» بازدید و این فضا را مناسب تصویربرداری برخی از قسمت‌های فیلم «محمد (ص)» اعلام کرده است. «سبروس حسن‌پور» به همراه دو کارگردان دیگر در این پروژه به عنوان مشاور و دستیاران «مجیدی» حاضر خواهند بود. این اولین‌بار در تاریخ سینمای ایران است که کارگردانی می‌پذیرد دستیار کارگردان دیگری را قبول کند. این فیلم سینمایی به دوران کودکی حضرت محمد «ص» پس از ۱۲ سالگی و تا پیش از بعثت می‌پردازد. مجیدی پنج سال را صرف نوشتن فیلمنامه این فیلم کرده که یک سال را فقط به صرف تحقیق و همکاری با دانشمندان، مورخان، علما و سیره‌شناسان جهان اسلام در ایران و کشورهای مانند مراکش، تونس، لبنان، عراق و الجزایر برای جمع‌آوری و استناد به منابع شیعه و اهل سنت گذرانده است. در نگارش این فیلمنامه «کامپوزیا پر تویی» با مجیدی همراه بوده است. این فیلم حداقل به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی پخش می‌شود و در ایران و احتمالاً دو کشور دیگر فیلمبرداری خواهد شد. با این‌ن حال، جواشنی و اخبار پیرامون این فیلم

زایوه

کلاغ‌ها و گلادیاتورها

با غلط‌هایش، نقل کرده‌اند. متأسفانه از حقیقتش هیچ خبری ندارم. ایرونی‌جماعت را بهتر از من می‌شناسی. لطفا هرچه پیدا کردی به من هم خبر بده» دست به دامن عقل عمومی شدم و در مصحح‌های اجتماعی پیام گناشتم: «فهوم این خبر معمای چیست؟ استعاری است یا استعزایی یا مجازی یا چی؟» پس از چندین روز تنها چیزی که دستگیرم شده این است که خبر برای اهل ورزش هم نه معنایی ندارد و نه کنجکاو‌ی‌شان را برانگیخته که یعنی چه. تقریبا همه به شوخی برگزار کرده‌اند و انگار شوخی خنکی که همه بارها شنیده‌اند. تنها ترسخی که یک نفر به دست داده نشانی عکسی است در سایتی ظاهرا خبری که یک فوتبالیست را با پاهای پرنده‌ای در دست نشان می‌دهد. فوتبالیست؟ حاشیه‌های تصویر پرنده

فریدون مجلسی



جنگ داخلی چین میان دولت مرکزی جمهوری چین به رهبری چیان کای چک و نیروهای شورشی کمونیست به نام ارتش آزادی‌بخش مردم چین به رهبری ماوتسه دونگ از دهه ۱۹۲۰ آغاز شده بود. در سال ۱۹۳۲ ژاپن به چین حمله کرد. این اشغال موجب اتحاد نیروهای متخاصم در جنگ داخلی علیه دشمن خارجی شد. طی آن سال‌ها ماوتسه دونگ توانست حمایت مردمی بیشتری را به سوی خود جلب و تجزیه‌ای نظامی مطلوبی کسب کند. با شکست ژاپن و پایان جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵ ماوتسه دونگ با شدت بیشتری جنگ داخلی را از سر گرفت و سرانجام در نیمه دوم ماه می ۱۹۴۹ پیروزمنده وارد شانگهای مهم‌ترین شهر اقتصادی و صنعتی چین شد. شهری که حزب کمونیست چین در سال ۱۹۱۲ در آنجا تشکیل شده و همواره سنگر حرکت‌های چپ در آن کشور بوده است. گشودن شانگهای کلید فتح چین بود و فقط چند ماه بعد یعنی در اول اکتبر همان سال بود که نیروهای ماوتسه دونگ و متحد نامدارش چونگ لای پیروزمنده وارد پکن شدند و برپای جمهوری خلق چین را اعلام کردند. قضاوت درباره اینکه پیروزی انقلاب کمونیستی چین به سود مردم بود یا بقای جمهوری، کار دشواری

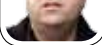
ادای احترام سینماگران به شهدای آزادسازی خرمشهر

هم‌زمان با سوم خرداد، سالروز آزادی خرمشهر، جمعی از سینماگران به همت خانه سینما در گلزار شهدای بهشت زهر(س) و مرقد مطهر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضور یافته و یاد و خاطره این روز را گرامی داشتند. گفتنی است در این مراسم سینماگرانی چون مجید مجیدی، رضا میر کریمی، مازیار میری، مهدی عسگرپور، محمدرضا شرف‌الدین، حبیب‌دهقان‌نسب،منوچهر محمدی، جعفر صناعی‌مقدم،علیرضا دونزاک،مجتبی راعی،امیرحسین علم‌الهدی، خضوعی‌آینه‌ا، بیژن میرباقری، حسن برزیده، حبیب احمدزاد و... حضور داشتند.

پنجره

در ستایش سینما

سعید عقیقی



■ سینما را نام‌ها نمی‌نامد؛ اما در بیشتر موارد، نام کسانی بر سر زبان‌ها می‌افتد که «سینما» را ساخته‌اند. در کن اسال، نام‌های مشهوری حضور داشتند: المودوار، فن‌تری‌یر، مور‌تی، کوربسماکی، ژویداکستنسفو... (شاید اگر فیلم آخر می‌شاییل هانکه هم رسیده بود، برگ دیگری بر این تنوع افزوده می‌شد.) و حقیقت این است که تفاوت‌های اندیشه و بیان‌شان، آن چیزی را ساخته است که در مفهوم حقیقی کلمه بدان «سینما» می‌گوییم؛ مجموعه‌ای متفاوت، از فیلمسازی که تمام هویت‌شان به تفاوت‌شان با یکدیگر و با دیگران است. در این میان، اسمال کن تصمیم گرفت جایزه‌اش را به یک فیلمساز کهنه کار، کم کار و به معنای واقعی کلمه، «پربار» بدهد. ترنس مالیک، آشوری‌زاده ایرانی‌تبار که در هاروارد فلسفه خوانده، شاگرد استنلی کاول (یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان طبیعت‌گر) بوده، با دو فیلم اولش یعنی برهوت و روزهای بهشت، شیوه بیان سینمایی را متحول ساخته، ۲۰ سال بعد را به سیر در طبیعت بگر و زندگی در میان بومیان جزایر استرالیا گذرانده (و حتی شایع شده همان جا در گذشته) و نشانه‌هایی از این سیرفرانی حقیقی را در فیلم جنگی ماندگارشان یعنی «خط باریک قرمز» نشان داده، با استفاده از داستان پوکوهانس، فیلم زیبایی دنیای جدید را عرضه کرده، اسمال با درخت زندگی حضور داشته و اکنون در کار ساختن عاشقانه‌ای جدید است. وقتی در سال ۱۹۹۸ به آمریکا بازگشت و شایع شد که دوباره می‌خواهد فیلم بسازد، با آن وسواس بی‌پایانی که استنلی کوبریک را به یاد می‌آورد، بازیگران هالیوود برای حضور در فیلم‌اش ثانیه‌شماری می‌کردند (به عنوان نمونه، شان پن، جان ترولتا و جان کیزاک، خودشان اعلام کردند که حاضرند با کم‌ترین دستمزد، نقش کوتاهی را در خط باریک قرمز بر عهده بگیرند). جرج کلونی در گفت‌وگویی، اشاره می‌کند که برای آنکه تنها در فیلم مالیک حضور داشته باشد (نقشی که دو خط دیالوگ دارد و ۳۰ ثانیه بیشتر طول نمی‌کشد) به مالیک زنگ می‌زند و می‌گوید: «فقط می‌خواهم سر صحنهات باشم. لباس‌های چرک خودت را هم حاضرم بشورم!» مالیک هم به مانند رابرت آلتمن، از نام‌هایی است که به واسطه سبک یگانه‌اش به احترامی خاص و شخصیتی متمایز در سینمای آمریکا دست یافته است. شاعرانگی در نحوه نورپردازی، نگاهش به درام و رویکرد هستی‌شناسانه منحصر به فردش وجود دارد. تربیت ذهنی و فرهنگی او تقریبا با تمام فیلمسازان آمریکایی (شاید به استثنای دیوید لینچ) متفاوت بوده و به همین دلیل، فیلم‌هایش چشم‌اندازی کلاا بدیع از جهانی یکسر پرخاش‌دهن مولف‌ا‌یرا به می‌دهند. من به نوبه خود خوشحالم که هنوز دنیا آدم‌هایی چون ترنس مالیک را در دامان خود می‌پرورد (با اجازه می‌دهد که آنان خود را چنین ببروراند) و همچنان سرمایه‌گذارانی در قلب کشورهای سرمایه‌سالار، قدر چنین نوافعی را می‌دانند و هنوز مدیران جشنواره‌های جهانی، برای داشتن فیلم‌های هنرمندانی از این دست، یک سال صبر می‌کنند. آن هم هنرمندانی که هیچ علاقه‌ای به حضور در جشنواره‌ها ندارند و حتی برای گرفتن جایزه‌شان هم از پله‌ها بالا نمی‌روند. ترنس مالیک، فیلمسازی بی‌اعتنا به رسانه و تبلیغات، سال‌هاست که به همین شکل زندگی کرده و فیلم ساخته است. تعداد مصاحبه‌هایش به سختی به انگشتان یک دست می‌رسد و بسیاری از منتقدان در سراسر دنیا به واسطه نداشتن مواد اولیه مناسب، ترجیح می‌دهند فیلم‌هایش را نادیده بگیرند. با این حال، کسانی که سینما را جدی می‌گیرند، جای او را در پانثئون بهترین‌ها محفوظ داشته‌اند. ستایش ترنس مالیک، ستایش آنهایی است که سینما را جدی می‌گیرند و بی‌واسطه ستایش سینماست. با هیجان کار او را دنبال می‌کنم و تا دیدار بعدی‌اش، تصویر مزمره سوخته روزهای بهشت، فصل کشته شدن سم شیارد و سپس ریچارد‌گر در دل طبیعت، نگاه مارتن‌شین در پایان برهوت، فصل مرگ جیم کاوزل در دل طبیعت حیرت‌آور در فیلم خط باریک قرمز را در ذهن مرور می‌کنیم و با موسیقی جادوانی و استانه‌ها‌نس زیر زمر همین فیلم به اندوه شاهانه‌مان راه می‌دهیم. تا چه پیش آید!

خبر

آخرین وضعیت مجموعه

«تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران»

■ محمدهاشم اکبرانی از آخرین وضعیت انتشار مجموعه «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران» خبر داد. دبیر مجموعه «تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران» با اعلام تجدید چاپ کتاب «محمد شمس لنگرودی» از این مجموعه گفت: چاپ نخست این کتاب تمام شده است و چاپ دوم آن به زودی از سوی نشر ثالث منتشر می‌شود. او همچنین از با‌تکلیف بودن کتاب «محمدعلی سپانلو» خبر داد و متذکر شد این کتاب پیشتر زیر قیال چاپ اعلام شد و بعد از مدتی برای تجدید نظر نهایی دوباره ارسال شد و اکنون با گذشت سه ماه هنوز از صدور مجوز کتاب خبری نیست و با‌تکلیف مانده است.